علیزاده و معتمدآریا در جمع داوران جایزه داستان کوتاه فرشته

فرهیختگان| حضور حسین علیزاده آهنگساز و نوازنده، کامبوزیا پرتوی فیلمنامه‌نویس و کارگردان سینما، ابراهیم حقیقی طراح و گرافیست، محمد چرمشیر نمایشنامه‌نویس و فاطمه معتمدآریا بازیگر سینما در هیات انتخاب جایزه داستان کوتاه «فرشته» که از ابتکارات شهر کتاب فرشته است، جایزه‌ای متفاوت را نوید می‌دهد. مرجان شیرمحمدی و مهسا محبعلی تنها داستان‌نویسان این جمع هستند. داستان‌های کوتاه انتخاب‌شده از سوی این گروه را لیلی گلستان، پرویز دوایی و مصطفی مستور داوری می‌کنند. قرار است ۱۲ خرداد ۱۳۹۴ طی مراسمی اختتامیه این جشنواره که موضوعش دهه شصت است، برگزار شود.

گزارش اول

ابراهیم زاهدی‌مطلق داور جایزه غنی‌پور در گفت‌وگو با فرهیختگان:

معیار ما نگاه مسجدی است

فرهیختگان| در میان جایزه‌های ادبی این سال‌ها، جایزه شهید غنی‌پور از هویت کاملا مجزایی برخوردار است. این جایزه در دوره‌های متفاوت همواره تلاش کرده است نگاه خاص خودش را به ادبیات داشته باشد و تفاوتش با جایزه‌های ادبی مستقل و دولتی از همین‌جا ناشی می‌شود. مسجد جوادالائمه مرکز شکل‌گیری طیفی از نویسندگان بعد از انقلاب بوده است که بخش عمده و مهمی از چهره‌های شاخص و مطرح داستان‌نویسی بعد از انقلاب از دل جلسات و نشست‌های این مسجد رشد و نمو کرده‌اند و شکل گرفته‌اند. هدایت جایزه ادبی شهید غنی‌پور را امیرحسین فردی به عهده داشت که پس از او این جایزه همچنان فعال و پویا است. دیروز نامزدهای رمان آزاد این جایزه اعلام شد و فهرست اعلام شده بار دیگر تاکیدی بود بر نگاه مستقل و به دور از حواشی رایج دنیای ادبیات. وجود کتاب‌های نشرهای نیلوفر، چشمه، ثالث، نگاه و عصر داستان حاکی از همان نگاه بدون پیش‌داوری معمول برخی از نهادهای جایزه‌دهنده است که طیف محدودی از ناشران را قبول دارند و پیش از هر چیز دیگر ناشر و نویسنده را داوری می‌کنند تا اثر را. خسرو باباخانی، محمد مهدوی‌شجاعی و ابراهیم زاهدی‌مطلق از میان ۱۸۰ رمان منتشر شده در سال ۱۳۹۲ رمان‌های «این وصله‌ها به من می‌چسبد» احمد غلامی از نشر نیلوفر، «بی‌ترسی» اثر محمدرضا کاتب از نشر ثالث، «بی‌مترسک» اثر علی غبیشاوی از انتشارات نگاه، «وقایع‌نگاری یک زندیق» اثر مصطفی جمشیدی از انتشارات عصر داستان و «هست یا نیست» اثر سارا سالار از نشر چشمه را به‌عنوان نامزدهای رمان آزاد جایزه «غنی‌پور» معرفی کرده‌اند. براساس قوانین جایزه ادبی شهید حبیب غنی‌پور، از میان این پنج اثر، یک کتاب به‌عنوان اثر برتر و «کتاب سال جشنواره» انتخاب می‌شود. همچنین داوران از یک اثر دیگر هم تقدیر خواهند کرد. اثر برتر نشان ویژه جایزه را نصیب نویسنده‌اش خواهد کرد. ابراهیم زاهدی‌مطلق به‌عنوان سرداور این بخش در گفت‌وگو با فرهیختگان درباره میزان و منابع این جایزه می‌گوید: «بچه‌های مسجد جوادالائمه هزینه‌ها را اغلب از جیب خودشان می‌دهند این هزینه‌ها شامل مبلغی می‌شود که برگزاری یک مراسم ساده و نشان و لوح‌ها می‌طلبد.» زاهدی که به تازگی به‌عنوان معاون بنیاد شعر و ادبیات داستانی انتخاب شده است، از احتمال کمک مالی این بنیاد خبر می‌دهد و می‌گوید: «مهدی قزلی، مدیر بنیاد شعر و ادبیات داستانی قول‌هایی داده که باید دید با توجه به کاهش بودجه این مرکز تا چه حد وعده شان قابل تحقق است.» زاهدی‌مطلق از مشارکت احتمالی آموزش و پرورش و نهاد کتابخانه‌ها خبر می‌دهد و می‌گوید: «آقای ناصری دبیر جایزه غنی‌پور رایزنی‌هایی با این دو نهاد انجام داده که قرار است اینها کتاب‌های نویسندگان برگزیده را برای کتابخانه‌های‌شان بخرند و به نظرم این کمک خوبی است برای یک نویسنده که کتابش خریده و خوانده شود.» جایزه غنی‌پور در تمامی دوره‌های خود از انتخاب مجموعه‌داستان خودداری کرده است. زاهدی‌مطلق در این‌باره می‌گوید: «در یک مجموعه با داستان‌های ضعیف و قوی روبه‌رو هستیم و کمتر می‌توان مجموعه‌ای را پیدا کرد که تمامی داستان‌هایش خوب باشند. برای همین زیاد منطقی به نظر نمی‌رسد که به یک مجموعه جایزه بدهیم، بلکه باید به تک‌داستان‌های خوب آن جایزه داد. برای همین است که انتخاب مجموعه داستان در دستور کار جایزه غنی‌پور قرار ندارد.» زاهدی‌مطلق تاکید برمستقل بودن نگاه جایزه غنی‌پور به ادبیات دارد و درباره معیارهای انتخاب و داوری می‌گوید: «واقعا با پیش‌فرض هیچ کتابی را نخوانده‌ایم. همیشه جایزه غنی‌پور همین‌طور بوده است. اما یک معیار مسجدی داریم. کارهایی را انتخاب می‌کنیم که نگاه معترض و مغرضانه به مذهب نداشته باشد و به قول معروف ادبیات سالم باشد. داوری‌های دیگر هر کدام برای خودشان سقفی دارند و سقف جایزه غنی‌پور، سقف مسجدی است. نگاه مسجدی گزینشی نیست و هر کسی وارد مسجد می‌شود، بدون گزینش وارد می‌شود و جلوی او چای می‌گذارند. یک معیار دیگر هم مد نظر داشته‌ایم که آثار انتخابی، خواننده محدودی نداشته باشد. البته این معیار هم نسبی است و در قیاس با کارهای دیگر انجام شده است.» این‌طور که زاهدی‌مطلق به فرهیختگان می‌گوید قرار است اختتامیه چهاردهمین دوره جایزه ادبی شهید غنی‌پور، ۱۱ اسفند در مسجد جوادالائمه برگزار شود.

کافه نشریه

سینما و ادبیات

فرهیختگان| سینمای فرانسه موضوعی است که شماره جدید دو ماهنامه «سینما و ادبیات» به آن پرداخته و نیم ویژه‌نامه این شماره به «ژاک تاتی» یکی از مهم‌ترین سینماگران فرانسوی روزگار ما اختصاص یافته است. بازنمایی بیگانگی در سینمای ژاک تاتی محور این نیم‌ویژه‌نامه است. «ریتم در سینمای ایران» عنوان سرفصل دیگر این دوماهنامه است که هایده صفی‌یاری، مسعود جعفری‌جوزانی، علی‌رضا رئیسیان و جواد طوسی در قالب میزگردی به آن پرداخته‌اند و نشستی خواندنی را ترتیب داده‌اند. «سرگذشت سینمای تجربی ایران و سینمای آزاد» در گفت‌وگو با ابراهیم حقیقی از دیگر مطالب خواندنی مجله سینما و ادبیات است. اما در بخش ادبیات نیز با مطالبی خواندنی و مهم روبه‌رو هستیم. گفت‌وگوی اختصاصی با املی نوتومب یکی از مطالب خوب این شماره مجله سینما و ادبیات است. املی نوتومب آثارش در ایران مانند بسیاری از کشورهای دیگر جهان مخاطبان زیادی دارد. او از محدود نویسندگانی است که این روزها از راه نوشتن امرار معاش می‌کند و رمان‌هایش بیشتر جنبه اتوبیوگرافی دارد. نوتومب خودش گفته است که «در هر یک از رمان‌هایم «من» حضور دارم». این نویسنده فرانسوی سال ۱۹۹۲ نخستین رمانش را در ۲۶ سالگی چاپ و بعد از آن هر سال یک رمان منتشر کرد. او در مصاحبه‌اش با سینما و ادبیات می‌گوید که هر سال تقریبا چهار رمان می‌نویسد، اما یکی از آنها را منتشر می‌کند و نگران است که ۷۵ سال بعد از مرگش ناشران آثار چاپ‌نشده او را منتشر کنند. گفت‌وگوی علی عبداللهی با عبدالله کوثری از دیگر مطالب خواندنی این شماره سینما و ادبیات است. گفت‌وگوی مهسا محب‌علی با جعفر مدرس‌صادقی به مناسبت چاپ دو رمان جدیدش نیز حاوی نکاتی چالشی و بحث‌برانگیز است.

یادداشت

یک شروع خوب

جک وب / کاوه فولادی‌نسب | اگر جمله اول، پاراگراف اول و صفحه اول داستانی خوب باشند، هرکدام در حد خودشان می‌توانند بیشتر از هر تمهید دیگری در فروش داستان تاثیرگذار باشند. ناگفته نماند که پیش از هر چیزی شما باید داستانی برای گفتن داشته باشید. اگر این ماده اولیه را ندارید، نه من و نه روح ویلیام شکسپیر، هیچ‌کدام نمی‌توانیم کوچک‌ترین کمکی به شما بکنیم. اگر ایده‌ای داستانی در ذهن دارید، خواندن این نوشته را ادامه دهید.

شما می‌توانید در مدت پنج ثانیه هر ویراستار یا خواننده روی زمینی را از دست بدهید، یا برعکس توجه او را جلب کنید و گیرش بیندازید. اگر می‌خواهید مطمئن باشید که خواننده مال شماست، باید کاری کنید که در همان اولین لحظه توجهش جلب و احساسش درگیر شود.

من روی یکی دو پاراگراف ابتدایی داستان‌هایم بیشتر از هر بخش دیگری وقت صرف می‌کنم. همان قانونی که در شطرنج حاکم است، در داستان هم حاکم است: پیش از آنکه به میانه کار یا حتی پایان آن فکر کنید، باید بازی شروع را انجام دهید. بازی شروع چیست؟ مجموعه‌ای از حرکت‌های- شما بخوانید جمله‌های- به‌دقت فکرشده که آنچه را خواننده می‌خواهد در داستان پیدا کند، در اختیارش قرار می‌دهند؛ چه این خواننده مشغول ورق‌زدن مجله‌ای باشد که از قفسه کافه‌ای محلی برداشته و چه مشغول مطالعه صفحه‌های ابتدایی کتابی باشد که روی میز آخرین آثار داستانیِ رسیده قرار دارد. چیزی که خواننده می‌خواهد در داستان پیدا کند، صحنه‌ای هیجان‌انگیز است که اتفاق‌های بزرگی قرار است در آن بیفتد. چیزی که خواننده می‌خواهد در داستان پیدا کند، احساس لذت است؛ لذت از اینکه توی مبلش فرو برود و راحت داستان را بخواند (ولو اینکه ممکن است در پایان داستان -برعکس شروع آن- روی لبه مبل نشسته باشد و مشغول جویدن ناخن‌هایش باشد). و مهم‌تر از همه، چیزی که خواننده می‌خواهد در داستان پیدا کند، انگیزه‌ای است که او را وادار به ورق‌زدن کند.

عوامل لازم برای بازی شروع به‌هیچ‌وجه عوامل اسرارآمیزی نیستند که لازم باشد آنها را در حالتی نیمه‌هوشیار روی گویی بلورین ببینید. بدون تلاش آگاهانه‌ای از جانب شما به‌ندرت ممکن است یک داستان به وجود بیاید. بگذارید این‌طور بگویم که معمولا این اتفاق نمی‌افتد؛ دست‌کم تا وقتی‌که شما مسحورکنندگی ویلیام سارویان، جوشش درونی توماس ولف و باروری و نبوغ چارلز دیکنز یا مثلا اونوره دو بالزاک را نداشته باشید. من شخصا چندان خوش‌اقبال نیستم و باید روی هر داستان کوتاهی که می‌خواهم بفروشم، سخت کار کنم.

من -نویسنده- و گروه هدفم -خواننده- در پاراگراف شروع اولین صحنه داستان به چه چیزی نیاز داریم؟ به آگاهی از زمان، آگاهی از مکان و انگیزه برای رفتن به صفحه بعد. به اولین صفحه آخرین داستان‌تان نگاه کنید. آیا این سه عامل در آن وجود دارند؟

وقتی خواندن داستانی را شروع می‌کنید، خیلی زود متوجه خواهید شد که از آن نوع داستان‌هایی است که دوست‌شان دارید یا نه. این نکته را در همان بیست ثانیه مهلکی خواهید فهمید که ممکن است به‌عنوان خواننده‌ای در دکه روزنامه‌فروشی دل‌تان بخواهد صفحه را ورق بزنید یا به‌عنوان ویراستاری که می‌توانست داستان را بخرد، بگویید: «نه، این به درد ما نمی‌خوره.» یک نویسنده چه هدفی از چنین شروعی می‌تواند داشته باشد؟ فریبکاری؟ شما می‌توانید این نام را رویش بگذارید. این شروع، تقدس و کفر را در کنار هم قرار می‌دهد و کاری می‌کند که هر دو قابل درک باشند: در یک لحظه مهم محکم به صورت‌تان می‌کوبد؛ با صدایی بلند و انعکاسی از خشونت.

یک شروع خوب هرگز نمی‌تواند به فروش یک داستان بد کمکی بکند. زیباترین صحنه‌های ادبیات هم اگر به ناکجا بروند، بی‌ارزش هستند، اما باوجود این ادبیات داستانی لبریز از شروع‌های تاثیرگذار است. صرف زمان اندکی در کتابخانه یا در میان کتاب‌های موردعلاقه‌تان در کتابخانه شخصی‌تان یا کنار میز نشریات در داروخانه محل‌تان - اگر داروخانه‌چی آدم صبوری باشد- به شما کمک بی‌پایانی برای درک این موضوع خواهد کرد.

> یک شروع خوب هرگز نمی‌تواند به فروش یک داستان بد کمکی بکند. زیباترین صحنه‌های ادبیات هم اگر به ناکجا بروند، بی‌ارزش هستند، اما باوجود این ادبیات داستانی لبریز از شروع‌های تاثیرگذار است. صرف زمان اندکی در کتابخانه یا در میان کتاب‌های موردعلاقه‌تان در کتابخانه شخصی‌تان یا کنار میز نشریات در داروخانه محل‌تان - اگر داروخانه‌چی آدم صبوری باشد- به شما کمک بی‌پایانی برای درک این موضوع خواهد کرد

گفت‌وگو با مهدی مظلومی به بهانه ساخت فیلم سینمایی «سه بیگانه در سرزمین ناشناخته»

روحانی ما روشنفکر و دوست‌داشتنی است

مهربانو ابدی‌دوست| چندی پس از پایان دوران ۸ ساله ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد بود که محمود بصیری با دوچرخه‌اش به خبرگزاری ایسنا رفت تا سکوتش را بشکند و دلیل غیبتش در سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی را مشابهت چهره‌اش با چهره رئیس‌جمهوری سابق اعلام کند. حالا مشابهت گریم حمید لولایی با حسن روحانی موضوعی است که این روزها از طرف تهیه‌کننده یک فیلم سینمایی به کارگردانی مهدی مظلومی تکذیب می‌شود. مهدی مظلومی در سال ۱۳۸۰ سریال «بدون شرح» را ساخت و با این سریال به شهرت رسید، او بعد از آن کارهای زیادی را برای تلویزیون ساخته است که از آن جمله می‌توان به «بانکی‌ها»، «کمربندها»، «باغچه مینو»، «تهران پلاک یک» و «روزگار خوش حبیب‌آقا» اشاره کرد. با این حال مظلومی هیچ‌وقت نتوانست موفقیت «بدون شرح» را به دست آورد. بعد از اینکه سریال «سیگنال موجود است». مظلومی چندین بار در کنداکتور پخش قرار گرفت، ولی در هر نوبت به دلایلی پخش نشد. حالا خبری از او رسیده که مظلومی در حال ساخت فیلم سینمایی است. شاید او هم مانند دیگر سریال‌سازان که در چند سال اخیر به شبکه خانگی کوچ کرده‌اند، به خانه‌ای دیگر به غیر از تلویزیون رفته است تا بتواند به حرفه‌اش ادامه دهد. مظلومی این روزها، فیلم «سه بیگانه در سرزمین ناشناخته» را کارگردانی می‌کند. با مهدی مظلومی درباره حواشی پیش‌آمده درباره نخستین فیلم سینمایی‌اش و نقش حمید لولایی در این فیلم به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

چطور شد بعد از چند سال سریال‌سازی به فکر افتادید که فیلم سینمایی بسازید، آن هم در شرایطی که اغلب سینماگران به شبکه خانگی کوچ کرده‌اند؟ آیا ممکن است شرایط تلویزیون شما را مجبور کرده باشد؟

به فکرش نیفتادم که در تلویزیون نباشم. شرایطش پیش آمد که سینما را هم تجربه کنم. فیلمنامه‌ای بود که دوست داشتم و شرایط ساختش ایجاد شد و حالا هم در حال تولیدش هستم.

شما امتحان‌تان را در تلویزیون پس داده‌اید. کنجکاوم بدانم که نمی‌شد این فیلمنامه را هم سریال می‌کردید؟

نه، این فیلمنامه اصلا مناسب سریال نبود. برای سینما نوشته شده بود.

از چه لحاظ؟

داستانش کشش این را نداشت که حتی مینی‌سریال شود، چه برسد به اینکه بخواهیم به یک سریال تلویزیونی تبدیلش کنیم

شما ازجمله کارگردان‌هایی هستید که سریال‌های پرمخاطبی در کارنامه کاریتان دارید. آیا پیش‌بینی می‌کنید که فیلم شما هم‌مانند سریال‌هایتان پرمخاطب شود؟

واقعا امیدوارم. داریم سعی‌مان را می‌کنیم که این اتفاق برایش بیفتد. به هر حال خودم معتقدم یک اثر نمایشی باید برای مخاطب جذابیت داشته باشد. اگر کاری مخاطب انبوه نداشته باشد، خیلی به مذاقم خوش نمی‌آید. یعنی تمام سعی‌مان را می‌کنیم تا فیلم «سه بیگانه در سرزمین ناشناخته» مخاطب ویژه‌ای داشته باشد. فیلمی که مخاطب نداشته باشد، فیلم مورد علاقه‌ام نیست.

سینمای امروز ایران برای جذب مخاطب با مشکلات زیادی دست به گریبان است. اغلب فیلم‌ها در گیشه شکست می‌خورند. حالا شما برای داشتن مخاطب بیشتر به فیلمنامه بیشتر اتکا کرده‌اید یا بازیگران؟

هر دو. هم فیلمنامه و هم در اجرا. بازیگران هم بخشی از اجرای یک فیلمنامه هستند و نقش موثری در دیده شدن یک فیلم دارند.

در اجرا شما از چهره‌های بنامی استفاده کرده‌اید؟

امین حیایی، حمید لولایی، رضا شفیعی‌جم، محمدرضا شریفی‌نیا و لیلا اوتادی ازجمله چهره‌هایی هستند که برای فیلم انتخاب شده‌اند. به هر حال هرکدام از این اشخاص هم چهره‌اند و هم در اجرا، بازیگران کاربلدی هستند.

برویم سراغ فیلمنامه و موضوع آن. این فیلم در مورد چه چیزی است؟

سه تا خارجی با یک برنامه‌ریزی دقیق به ایران می‌آیند تا عملیاتی انجام بدهند، اما از لحظه‌ای که وارد ایران می‌شوند، شرایط ایران باعث می‌شود که برنامه‌هایشان آن‌طور که می‌خواهند، پیش نرود. آنها فکر کرده‌اند اینجا همه‌چیز مثل برنامه از پیش طراحی شده‌شان پیش خواهد رفت.

> چهره حمید لولایی، پتانسیل شباهت به آقای روحانی را دارد. ما خیلی سعی کردیم که فاصله بگیریم. یعنی تعمد داشتیم این اتفاق نیفتد. آرایش مو و ریش آقای لولایی با حسن روحانی کاملا متفاوت است

و حضور حمید لولایی که نقش یک روحانی را بازی می‌کند، در کجای قصه است؟

این سه تا خارجی که به ایران می‌آیند، در یک مجتمعی سکونت دارند. یکی از اهالی مجتمع یک روحانی است. حمید لولایی این نقش را بازی می‌کند.

حالا این نقش و گریم حمید لولایی گویا برای فیلم‌تان دردسرهایی هم پیش آورده است. حتی کار به جایی کشیده است که تهیه‌کننده کارتان شباهت گریم حمید لولایی به حسن روحانی را تکذیب کردند.

نه، اصلا. لولایی نقش یکی از ساکنین مجتمع را بازی می‌کند که این شخص روحانی است، نه اینکه حسن روحانی است.

خودتان هم قبول دارید که گریمش بی‌شباهت به حسن روحانی نیست؟

ما خیلی سعی کردیم که اتفاقا شبیه نشوند، ولی چهره حمید لولایی، پتانسیل شباهت به آقای روحانی را دارد. ما خیلی سعی کردیم که فاصله بگیریم. یعنی تعمد داشتیم این اتفاق نیفتد. آرایش مو و ریش آقای لولایی با حسن روحانی کاملا متفاوت است. ما در هنگام تست گریم حمید لولایی تلاش کردیم که شبیه به رئیس‌جمهوری‌نباشد.

این اتفاق چند سال پیش هم سر محمود بصیری آمد و او به مدت چند سال ممنوع‌الکار شد. حالا برای شما یا فیلم‌تان یا خود آقای لولایی مشکلی پیش نیامده است؟

نه. ما روحانی را مسخره نکرده‌ایم و قرار نیست که ما تصویر بدی را از یک روحانی نشان بدهیم. ایشان یک روحانی روشنفکر و دوست‌داشتنی است.

پیش‌بینی می‌کنید فیلم‌تان چه زمانی اکران شود؟

به جشنواره که نمی‌رسیم، ولی ممکن است برای عید اکران شود.

اسم فیلم هم گویا چیز دیگری بود.

بله، «ماموریت در تهران» که به دلایلی عوضش کردیم.

شما یک سریال پخش نشده هم دارید که از زمان ساختش مدت زیادی می‌گذرد. بالاخره سریال «سیگنال موجود است» چه زمانی از تلویزیون پخش می‌شود؟ دی‌ماه هم گذشت.

سریال را مونتاژ کردیم و به شبکه تحویل دادیم. یا بهمن‌ماه پخش می‌شود یا اگر نشد، بعد از عید پخش می‌شود.

به نظر شما وضعیت فعلی تلویزیون چه طور است؟

از زمانی که تغییرات جدید رخ داده است، من درگیر فیلم جدیدم بودم و هیچ خبری از سازمان ندارم. ولی با توجه به کارهایی که قبلا با این اشخاص انجام داده‌ام، به نظرم اوضاع بهتری خواهد داشت.

کافه موسیقی

آیا کنسرت لیان در تهران هم لغو می‌شود؟

فرهیختگان| در حالی که محسن شریفیان موسس گروه موسیقی «لیان» در گفت‌وگو با فرهیختگان تاکید می‌کند که هنوز به گروه آنها تاریخ برگزاری کنسرت گروه لیان اعلام نشده است، دیروز این خبر روی برخی از خروجی خبرگزاری‌ها رفت که کنسرت این گروه در تاریخ ۱۶ بهمن لغو شده است. با توجه به اتفاقی که برای این گروه در بوشهر و شیراز افتاد، برخی آن را به دلیل فشارهای وارده برای لغو کنسرت گروه لیان دانسته‌اند. این خبر را بهرام جمالی نه تکذیب و نه تایید می‌کند. مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی تنها بر این بسنده کرده است که هنوز نامه رسمی‌ای از سوی دفتر موسیقی مبنی بر برگزار نشدن این کنسرت به آنها ابلاغ نشده است. تا لحظه تنظیم این خبر هنوز هیچ مقامی در این باره اظهارنظر دقیقی نکرده است.لغو کنسرت گروه لیان را برخی هم به جهت نزدیکی آن با جشنواره موسیقی فجر دانسته‌اند که بی‌ارتباط با اتفاقات افتاده برای این گروه در بوشهر و شیراز خواهد بود.